تعلیل مرحوم شیخ طوسی در ترجیح قول ابن قتیبه؛ رکن مهم استدلال

این فرمایش تبیان را مرحوم طبرسی خلاصه کرده‌اند. خلاصه خیلی خوبی است. به جای اینکه چندتا قول بگویند همه آنها را دوتا کرده‌اند. کما اینکه دانی هم در جامع البیان همین کار را کرده است. می‌فرمایند:

> فإذ قد تبينت ذلك فاعلم أن الظاهر من مذهب الإمامية أنهم أجمعوا على جواز القراءة بما تداوله القراء بينهم من القراءات، إلا أنهم اختاروا القراءة بما جاز بين القراء، وكرهوا تجريد قراءة مفردة، والشائع في أخبارهم أن القرآن نزل بحرف واحد، وما روته العامة عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال: نزل القرآن على سبعة أحرف كلها شاف كاف، اختلف في تأويله، فأجرى قوم لفظ الأحرف على ظاهره، ثم حملوه على وجهين. أحدهما: إن المراد سبع لغات مما لا يغير حكما في تحليل، ولا تحريم، مثل هلم، واقبل، وتعال. وكانوا مخيرين في مبتدأ السالم في أن يقرأوا بما شاءوا منها، ثم أجمعوا على أحدها، وإجماعهم حجة، فصار ما أجمعوا عليه مانعا مما أعرضوا عنه، والآخر: إن المراد سبعة أوجه من القراءات، وذكر أن الاختلاف في القراءة على سبعة أوجه أحدها: اختلاف إعراب الكلمة مما لا يزيلها عن صورتها في الكتابة، ولا يغير معناها نحو قوله (فيضاعفه) بالرفع والنصب.[۱]

«...أحدهما: إن المراد سبع لغات ... والآخر: إن المراد سبعة أوجه من القراءات»؛ ببینید چقدر قشنگ خلاصه کرده‌اند. می‌گویند حاصل حرفها این است که «سبعة احرف» یعنی هفت لغت؟ یا هفت قرائت؟ بعد حرف شیخ را می‌آورند و می‌فرمایند چون ائمه فرموده‌اند قرائات را بخوانید پس اصلح این است که «سبعة احرف» یعنی هفت قرائت، نه هفت لغت. روی این هفت لغت دقت کنید. تأکید من روی این است. چطور تجویز ائمه نفی آن است؟ ائمه فرموده‌اند همه قرائات را بخوانید. ایشان می‌گویند پس معنای حدیث «سبعة احرف»، حرف ابوعبیده و طبری نیست. اصلح این است. چرا؟ شما بفرمایید.

شاگرد: طبق فرمایش شما چون قرائات نازل شده.

استاد: عبارت شیخ را توضیح دهید. در عبارت شیخ تعلیل به چه چیزی می‌خورد؟ چون معصومین گفته‌اند همه قرائات را بخوانید پس... .

شاگرد: تعبیر «ما اختلف القراء» است. یعنی قراء اختلاف کرده‌اند. اما وجهی که شما می‌فرمایید اختلاف قراء نیست. بلکه هر قرائتی که قاری خوانده است می‌باشد. به این «اختلف القراء» نمی‌گویند. این خلاف فرمایش شما است.

.....

استاد: اختلف القراء فی الروایه؛ این از مسلمات فن است. من بعداً از قرائن منفصله می‌آورم. شیخ می‌گویند تا کنار یک قرائت یک روایت ضمیمه نشود ما قبول ندارم. عبارتشان در اینجا هست. محال است که شما این را به شیخ نسبت بدهید که وقتی شیخ می‌گویند «اختلف القراء» یعنی «من اجتهادم». چرا؟ در سراسر تبیان یک قرائتی باشد که ضمیمه آن روایت نباشد قبول نمی‌کنند. می‌گویند: «ما لم ینضم الیه الروایه»؛ اصلاً ما آن را قرائت نمی‌دانیم. حتماً باید بگوید که شنیدم. اگر اجتهاد باشد که آن را قرائت نمی‌دانند. اینها برای عبارت بعدی ها است که فضا عوض شده. مشکل همین است که ما با فضای روبرو هستیم که اینها عوض شده. تمام اینهایی که اینجا هست را گذاشته‌ام. کلمات شیخ الطائفه یک فایل مفصل است. تا جایی که من پیدا کردم. اگر شما هم پیدا کردید بگذارید. اینکه ایشان می‌گویند «اختلف القراء» یعنی قارای است بالروایه. نه قارای که به آسانی در کلام خدا دست ببرد. اصلاً این در کلام شیخ الطائفه محتمل نیست.

روی این فرمایشات تأمل کنید و مطالبی را هم که من عرض کردم را ببینید. الآن شما «کله صواب» را چطور معنا می‌کنید؟ الآن در ذهن شما چیست؟ برای اینکه ذهن هایمان به هم نزدیک شود.

شاگرد: با تفسیری که صاحب حدائق از این عبارت داشتند، این عبارت برایم قابل فهم است.

استاد: نه، تعلیل را بفرمایید. من هم بالای پنجاه بار عرض کردم. تحلیل نوشتم و آوردم. همینطور معنا کردم. اما آن چه که روز یک شنبه هفته قبل دیدم این تعلیل بود. در این تعلیل شیخ چه کار می‌کنند؟ می‌گویند حرف ابوعبید و طبری تمام نیست، بلکه حرف ابن قتیبه درست است. در معنای سبعة احرف حرف او درست است. چرا؟ چون ائمه ما فرموده‌اند اختلاف قراءات را بخوانید و همه آنها جایز است. این تعلیل در محلش واقع شده ای نه؟ شیخ چه می‌فرمایند؟ چون ائمه ما گفته‌اند پس شما دنبال ابوعبید وطبری در تفسیر سبعة احرف نروید. دنبال ابن قتیبه بروید. روی آن تأمل کنید که این تعلیل چه می‌خواهد بگوید. وقتی ائمه تجویز کرده‌اند چرا ما دنبال ابن قتیبه می‌رویم؟ چون روایت می‌گوید «نزل علی سبعة».

والحمد لله رب العالمین

---

[1]مجمع البیان فی تفسیر القرآن - ط مؤسسة الأعلمی للمطبوعات ج۱ ص۳۸

بازبینی #3
ایجاد شده 16 آوریل 2024 13:57:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 12:47:00 توسط ... .